

قرآن

وساومت روانی خانواده

Quran & Family psychical health

دکتر صمد توری زاد

سلامت خانواده از نظر جسمی و روحی و نوع ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر، نیازمند رعایت حقوق افراد خانواده نسبت به یکدیگر است. خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است و با آنکه از تعداد افراد کمی تشکیل شده، از نظر اسلام مکان بسیار مناسبی برای رشد فکری و گانوی مهمی برای بروز مهر و علاقه است. امروز توجه به بهداشت روانی از اساسی ترین مباحث روان شناختی انسان است. توجه به روحیات و خلق و خوی افراد خانواده، مانع بروز مشکلات می شود ولی هرگاه مشکلات یا کشمکش و نزاع به صورت مستمر روی دهد، اصطکاک روانی ایجاد شده سبب پیدایش محیطی ناامن در خانواده می شود که نه تنها باعث رشد و نمو جسمی و روحی افراد نشود، بلکه سبب سقوط ارزش های والای انسانی می گردد.

احترام گذاشتن به جایگاه افراد در خانواده از اساسی ترین مسائل بهداشت روانی خانواده است. قرآن کریم درباره مراتب زن و شوهر در خانواده می فرماید:

هُنَّ لِيَاْسٍ لَكُمْ وَ اَنْتُمْ لِيَاْسٍ لِهِنَّ

انان برای شما لیاستی هستند و شما برای آنان لیاستی هستید»
زن و مرد با ازدواج و تشکیل خانواده، نقاط ضعف خویش را پوشش دادند، حامی یکدیگر می شوند و با توجه به ساختار جسمی و روحی شان هر کدام وظایفی را در زندگی بر عهده می گیرند مردان به دلیل کار و



زن و مرد با ازدواج و تشکیل خانواده، نقاط ضعف خویش را پوشش دادند، حامی یکدیگر می شوند و با توجه به ساختار جسمی و روحی شان هر کدام وظایفی را در زندگی بر عهده می گیرند.

۴۹۳

فعالیت در اجتماع و آگاهی بیشتر از مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اطلاعات موجود در جامعه و امکانات آن به خانواده نقش به سزایی را ایفا می نماید

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ

مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری دادند

زنان نیز به دلیل داشتن غریزی متفاوت با مردان و وظایف بازداري و مراقبت از کودکان، زمان بیشتری را در خانواده می گذرانند در اسلام مردان و زنان از نظر رشد معنوی از جایگاه یکسانی برخوردارند و تقریباً آنان در نزد خداوند فقط به واسطه تقوای الهی است.

با در نظر گرفتن سختی های موجود در جامعه، می توان دریافت که پذیرفتن مسؤلیت بیرون از خانواده از سوی مردان، طبع ظریف زنان را از برخورد های نامناسب در سطح جامعه حفظ می کنند در اسلام سخن از مردسالاری و یا زن سالاری نیست بلکه از نظر روشناختی اسلام هر چه خانواده از عتوبین «سالاری» دور باشد و همفکری و همندیشی در آن حاکم باشد آن خانواده به توفیق نزدیکتر است. در خانواده هایی که پدرسالاری یا ملکر سالاری حاکم است، مشکلات روحی و روانی بیشتری روی می دهد و اختلالات شخصیتی و خلقی مانند اضطراب، عدم اعتماد به نفس، افسردگی و بیستودینمی شود.

هر اجتماعی هر چند کوچک، نیاز به سرپرست دارد تا همه افراد خانواده را به سوی همفکری، تعاون و مشارکت، رهبری نمایند قرآن کریم این نقش را در خانواده بر عهده مردان می گذارد.

قَالَصَالِحَاتٌ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ

زنان رستگار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می کنند

زنان با تقوا آثانی هستند که در زندگی تواضع داشته و در غیاب همسر، چه از نظر مالی و ناموسی و چه از نظر اسرار زندگی، حافظ منافع شوهر و خانواده خویش باشند آنها به ویژه هنگام ارتباط با نامحرم باید حجاب و پوشش خود را حفظ کنند و موجب لغزش اخلاقی خود و دیگران نگردند این موضوع به حدی مهم است که قرآن، همسران پیامبر (ص) را خطاب قرار می دهد و نکات لازم را پیرامون این مسئله به آنان



زنان با تقوا آثانی هستند که در زندگی تواضع داشته و در غیاب همسر، چه از نظر مالی و ناموسی و چه از نظر اسرار زندگی، حافظ منافع شوهر و خانواده خویش باشند آنها به ویژه هنگام ارتباط با نامحرم باید حجاب و پوشش خود را حفظ کنند و موجب لغزش اخلاقی خود و دیگران نگردند

یاد آور می شود

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ اِنَّ اَقْبَنَ فَلَآ تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا

ای همسران پیامبر، شما همانند دیگر زنان نیستید اگر خلتورم و پرهیزکار باشید بنگران یا مردان تاؤگ ترم - هوس انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع تمایند و سخن شایسته بگویند

این آیه شریفه الگوی مناسب را برای چگونگی ارتباط زنان با افراد نامحرم بیان می کند تا میل آنان در هنگام ارتباط یا افراد گمراه طوری برخورد نمایند که سبب تحریک آنان شوند در زمانی که همسر غایب است باید بیشتر به این موضوع دقت شود.

«وَأَلَّتِي تَخَافُونَ تَشَوْهَرْنَ فَيَطَّوَهُنَّ وَاهْجُرَّوَهُنَّ فِي الْمَصَاحِحِ»

و زنانی را که از تاقدماتی آنان بیم دارید [تخست] بپندشان دهید و [بعد] در خوابگاه از ایشان دوری کنید. کلمه «تَشَوْهَرْنَ» به معنای سرپیچی از اطاعت به دلیل تکبر است. قرآن سه مرحله را برای درمان زنانی که با همسرانشان با تکبر برخورد می کنند و از فرمان آنان سرپیچی می نمایند پیشنهاد می کند:

خبرنامه انجمن اسلامی دانشجویان

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي
إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَ كَمَا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝

خدا گفتار [زنی] را که درباره شوهرش با تو گفتگو و به خدا شکایت می کرد شنید و خدا گفتگوی شما را می شنود زیرا خدای شنوای بیناست.

مفسرین درباره شأن نزول این آیه می گویند که روزی زنی به نام خوله - از خایقه خزرج - که همسر مردی به نام اوس بن صامت بوده است، گرفتار خشم شوهرش - که مرد تندخویی بوده - می شود به طوری که مرد تصمیم به جدایی از او می گیرد و در اوج عصبانیت او را طرد می نماید. در این هنگام زن برای چاره جویی نزد پیامبر خدا می شتابد.

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ
مَنْ نَسَاهُمْ مَا مِنْ أُمَّهَاتِهِمْ
أَنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِلَّا إِلَىٰ رِجْلِهَا
وَأَنَّهُمْ لَيَقُولُنَّ سُكْرًا
مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ
لَعَفُورٌ غَفُورٌ ۝

از میان شما کسانی که زنانشان را «ظهار» می کنند [و می گویند: تو چون مادر من هستی] آنان مادرانشان نیستند. مادران آنها تنها کسانی اند که ایشان را زاده اند و قطعاً آنان سخنی زشت و باطل می گویند [ولی] خدا مسلماً در گذرنده مهربان است.

کلمه «ظهار» در عرب به نوعی طلاق بازگشت ناپذیر - مثل طلاق سه طلاقه فعلی -

گفته می شد و زن پس از این طلاق می توانست برای خویش همسر دیگری برگزیند. این بدترین اتفاقی بود که ممکن بود برای یک زن شوهردار و فرزندان رخ دهد. در این نوع طلاق، مرد قادر به رجوع به همسر خویش نبود؛ از این رو، قرآن علاوه بر مذمت این گونه نابخردی ها برای چنین مردانی تشبیه سخنی در نظر می گیرد:

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاطْعَامَ سِتِّينَ مَسْكِينًا ذَلِكَ لِيُتْرَمُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ
وَأَنْ كَسِبَ كَسْرًا لَمْ يَجِدْ لَهَا مَالًا فَمَا لَهَا مِنَ اللَّهِ فَاغْرَبْ عَنْ ذِكْرِهِ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝

ابتدا با نصیحت و وعظ آنان را به زندگی فرا خوانند؛ اگر موعظه اول در آنان اثر نکرد، درمان دوم را اجرا کنند؛ یعنی مدتی از آنان دوری گزینند تا شاید تنهایی، آنان را به فکر و آوارد و سبب شود تا به زندگی باز گردند و رفتار مناسبی را در پیش گیرند؛ اما قرآن درباره درمان سوم می فرماید:

وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبِعُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا ۝

و اگر تأثیر [نکرد] آنان را بزنید؛ پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنان هیچ زاهی [برای سرزنش] عجوبید، که خدا والای بزرگ است.

اگر زنی پا از حریم مقدس نظام خانواده فراتر نهد و از

شوهر خویش تبعیت ننماید

و پس از مرحله موعظه و دوری جستن متنبه نگردد، چاره ای جز برداشتن یک گام جدی باقی نمی ماند.

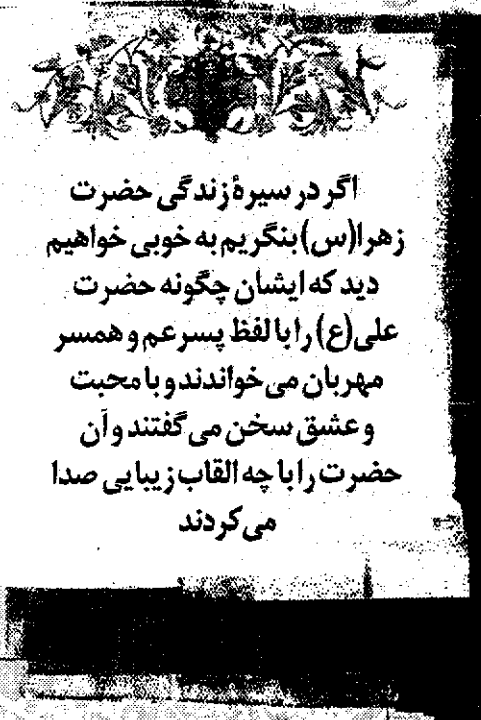
شاید بعضی معرضان از این کلام بهره گرفته بگویند در غرب، آزادی و احترام بیشتری برای زنان وجود دارد. برای روشن شدن موضوع به یک نمونه از افکار فیلسوفان و اندیشمندان نامور غرب اشاره می کنیم تا خود قضاوت کنید.

نیجه از حکمای بزرگ آلمان درباره حقوق زن و مرد چنین می گویند: «عشق

و عاشقی و معشوقی، کاری است لغو و نباید منتهای ازدواج باشد. ازدواج باید میان نیرومندان واقع شود تا فرزندان نیرومند برآورند و مردان برتر ظهور کنند؛ برای زن با مرد و لزوم رعایت حقوق او نیز از سخنان باطل است، مرد باید جنگاور بوده، زن نیز وسایل برای نقش و تفریح آنان باشد و فرزندان آورد.»

این تفکرات نیجه هنوز در اروپا برای بهره کشی از زنان وجود دارد. حال، این تفکر را با الگوی خانواده اسلامی و ارتباط بین علی (ع) و فاطمه (س) مقایسه کنید و ببینید کدام یک به انسانیت انسان نزدیک است؟

قرآن کریم مردانی را که در خانواده مشکل ایجاد می کنند نیز نام برده و آنان را سزاوار تشبیه دانسته است:



اگر در سیره زندگی حضرت زهرا (س) بنگریم به خوبی خواهیم دید که ایشان چگونه حضرت علی (ع) را با لفظ پسر عم و همسر مهربان می خواندند و با محبت و عشق سخن می گفتند و آن حضرت را با چه القاب زیبایی صدا می کردند

جلوگیری شده، مانع از دریده شدن حجاب‌ها و پرده‌های حیای باقیمانده بین زن و شوهر می‌شود.

صلح و نزاع بین زن و شوهر برای قضات محاکم معمولی منفعتی در پی ندارد؛ ولی افراد محاکم صلح خانوادگی، با توجه به نگرش و آگاهی عمیقی که بر کانون خانواده دارند، مایلند تا از پاشیده شدن خانواده جلوگیری کنند، به همین دلیل، از ابتدا با نیت بر طرف کردن تنش به دور هم جمع می‌شوند.

در قرآن کریم صریحاً به مردان یادآوری می‌شود که «عاشروهن بالمعروف»^{۱۱} با همسران خود به نیکی و مهربانی معاشرت کنید و از بی‌عدالتی و خشونت بپرهیزید. مواظب باشید خطای زن را در پیش فرزندان بازگو نکنید حتی اگر فرزندان شما خطای مادرشان را یادآوری کردند، باید ذهن آنها را از این بابت آسوده سازید و احترام گذاشتن

به مادر را در دل ایشان استوار گردانید البته بر زنان نیز واجب است که همیشه احترام گذاشتن به پدر را به فرزندان خویش یادآور شوند.

اگر زنی بخواهد مادری نیکو برای فرزندان خود باشد ابتدا باید بانوی صالحی برای همسر خویش باشد زن هنگامی که اذیت همسرزاری را اجرا می‌کند، عملاً مالک دل مرد می‌شود و مرد مملوک او می‌گردد. درست است که مرده مدیر خانواده است، اما زن دل و روح مرد را در اختیار خود دارد و می‌تواند به پیشرفت کمال مرد کمک کند و او را ارتقا بخشد.

اگر در سیره زندگی حضرت

زهر(س) بنگریم به خوبی خواهیم دید که ایشان چگونه حضرت علی(ع) را با لفظ پسر عم و همسر مهربان می‌خواندند و با محبت و عشق سخن می‌گفتند و آن حضرت را با چه القاب زیبایی صدامی کردند به یقین در چنین فضایی فرزندان نیز نیکویی را سر لوحه زندگی خویش قرار می‌دهند و مانند حسنین(ع) به هم خواهند رسید.

۱. بقره/۱۸۷

۲. مجاهد/۲

۳. مجاهد/۲

۴. سوره/۲۵

۵. سوره/۱۹

۶. بقره/۲۲

۷. سوره/۳۴

۸. مجاهد/۲

بر شیخی قرآن

از تماس [یا زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد و هر که نتواند، باید شصت بینوا را خوراک بدهد. این [حکم] برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید؛ و این است حدود خدا و کافران را عذابی پر درد خواهد بود.»

همان طور که مشاهده می‌شود، اسلام برای به کار بردن یک کلمه نامناسب از سوی مردان، ابتدا تنبیه مادی - که برای برخی افراد بسیار سخت‌تر از تنبیه‌های دیگر است - و سپس تنبیه بدنی - دو ماه روزه متوالی - در نظر گرفته است تا مردان بدانند که باید به همسر خویش احترام بگذارند و بی دلیل کانون خانواده را متلاطم نسازند. مرد به تنهایی موجودی است ناقص؛ همان طور که زن نیز به تنهایی موجودی ناقص است. این نقص بدان سبب است که برای تشکیل زندگی و بقای

نسل و تولید مثل و مهم‌تر از همه تکامل و ظهور کمالات بالقوه خودشان هر دو به یکدیگر نیازمند و محتاج هستند و تنها با ازدواج مشروع و قانونی نواقص طرفین بر طرف خواهد شد.

و ان حفتم شقاق
بینهما فابعدوا حکما من
اهله و حکما من اهلها
ان یریدا اصلاحا یروق
الله بینهما ان الله کان
علیما خبیرا^{۱۲}

و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده این [زن] تعیین کنید اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد کرد. آری خدا دانای آگاه است.»

در زمانی که اختلافی میان زن و شوهر رخ می‌دهد، باید یک دادگاه یا مجلسی از سوی ریش سفیدان و معتمدین دو طرف زن و شوهر تشکیل شود تا هم از بحث‌های بیهوده خانوادگی بپرهیز شود و هم اختلاف به وسیله عقلا - که دور از تعصبات قومی و خانوادگی عمل می‌کنند - حل شود.

این کار چند حسن دارد:

از سرایت اسرار خانواده به خارج از محدوده خانواده



مرد به تنهایی موجودی است ناقص؛ همان طور که زن نیز به تنهایی موجودی ناقص است. این نقص بدان سبب است که برای تشکیل زندگی و بقای نسل و تولید مثل و مهم‌تر از همه تکامل و ظهور کمالات بالقوه خودشان هر دو به یکدیگر نیازمند و محتاج هستند و تنها با ازدواج مشروع و قانونی نواقص طرفین بر طرف خواهد شد.